



Est.1994

JCL

Journal of the College of Languages
An Open Free Access, Peer Reviewed Research Journal
<https://jcolang.uobaghdad.edu.iq>

P-ISSN: 2074-9279
E-ISSN: 2520-3517
No. (50) 2024
PP.191-212

Qualitative evaluation of destinations in the Arabic translation of Naguib Mahfouz's short stories based on Jean – Rene Ladmira theory

¹ Ali Afzali , ²Raheem M. Jaber Al-atabi, ³ Akram Madani

¹⁻³University of Tehran, Faculty of Arts and Humanities, Department of Arabic Language, Tehran, Iran

²University of Baghdad, College of Languages, Department of Persian, Baghdad, Iraq

Corresponding author: ali.afzali@ut.ac.ir

²E-mail: draheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq

³E-mail: madani58@ut.ac.ir

Received on 12/4/2024 - Accepted on 24/5/2024- Published on 1/6/2024)

DOI: <https://doi.org/10.36586/jcl.2.2024.0.50.0191>



This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

Abstract

Evaluating translations and expressing their strengths and weaknesses can be a way forward for translators in this field and make the knowledge of translation more vibrant and dynamic. Since the purpose of translation is to better understand the text in the target language, the current research has analyzed the destinations of the translation of some of Naguib Mahfouz's short stories with the analytical-descriptive method and relying on the theoretical framework of Jean- Rene Ladmira in order to determine its compatibility with the components This theory is valid. After examining and comparing the original text and the Persian translation, it was found that in the translation of these stories, the components of Admiral's theory such as displacement, legibility and heterogeneity have the highest frequency. Also, the translator has used the components of increase, disambiguation and deletion, which has tried to bring the original text closer to the destination and has provided a destination-oriented translation. Also, the components of minimal interpretation and the essence of translation were seen less in the

translation. In some cases, he has turned to free translation of meanings and words, which has led to a translation far from difficulty and ambiguity in understanding the author's meaning.

Keywords: translation evaluation, Arabic short story, destinations of translation, Naguib Mahfouz, Jean- Rene Ladmiral.

ارزیابی کیفی مقصدگرایی در ترجمه ی داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ به زبان فارسی بر اساس نظریه ژان رنه لادمیرال

¹دکتر علی افضلی ، ²رحیم مزهر عتابی ، ³اکرم مدنی

³⁻¹ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

² گروه زبان و ادبیات فارسی / دانشگاه بغداد

چکیده

ارزیابی ترجمه‌ها و بیان نقاط قوت و ضعف آنها می‌تواند برای مترجمان در این عرصه راهگشا بوده و دانش ترجمه را بالنده‌تر و پویاتر نماید. از آنجایی که هدف از ترجمه فهم بهتر متن در زبان مقصد است، پژوهش حاضر با روش تحلیلی- توصیفی و با تکیه بر چارچوب نظری لادمیرال، مقصدگرایی ترجمه برخی از داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ را که توسط محمد رضا مرعشی پور به فارسی ترجمه شده است، مورد واکاوی قرار داده است تا میزان تطابق آن را با مؤلفه‌های این نظریه بسنجد. پس از بررسی و تطابق متن اصلی و ترجمه فارسی، مشخص گردید که در ترجمه این داستان‌ها، مؤلفه‌های نظریه لادمیرال نظیر جابه‌جایی، خوانایی و ناهمگون‌سازی بیشترین بسامد را دارا می‌باشند. همچنین مترجم از مؤلفه‌های افزایش، رفع ابهام و حذف نیز بهره گرفته که سعی بر نزدیک کردن متن اصلی به مقصد بوده و ترجمه مقصدمحوری ارائه داده است. همچنین مؤلفه‌های تفسیر حداقلی و چپستی ترجمانی کمتر در ترجمه دیده شد. وی در مواردی هم به ترجمه آزاد مدلول‌ها و واژگان روی آورده که این امر منجر به ترجمه‌ای دور از تکلف و ابهام در درک منظور نویسنده شده است.

واژگان کلیدی: ارزیابی ترجمه، داستان کوتاه عربی، مقصدگرایی ترجمه، نجیب محفوظ، ژان رنه لادمیرال

1- مقدمه

ترجمه به عنوان پلی بین زبان و فرهنگ مبدأ و مقصد نقش‌آفرینی می‌کند. مترجم باید قصد نویسنده را به نحوی بیان کند که متن مقصد قادر به دستیابی همان نقشی در مقصد باشد که متن مبدأ بدان دست یافته است. دریافت‌کننده متن باید دنیای متنی ترجمه را همان طوری درک کند که

دریافت‌کننده متن مبدأ، درک می‌کند. چنین نیازی را صرفاً هنگامی می‌توان رفع کرد که دنیای متن به فاصله مساوی از هر دو فرهنگ مبدأ و مقصد قرار داشته باشد. با توجه به اشتراکات بسیار بین دو زبان و فرهنگ عربی و فارسی، مترجمان بسیاری کوشیده‌اند داستان‌های کوتاه عربی را به فارسی ترجمه نمایند و خوانندگان را با دنیای نویسندگان مشهور عربی همگام سازند. برخی نظریه پردازان معتقدند «در هر حال، متن ترجمه‌شده مصنوع فرهنگی‌ای است که از طریق نسخه‌ای پذیرفتنی در فرهنگ مقصد جانشین متن مبدأ می‌شود. فرایند ترجمه را تنها از طریق تحلیل متن ترجمه‌شده در درون بافت فرهنگی- زبانی می‌توان فهمید» (Gentzler, 2014, p.164) (گنتزler، 2014، ص164). در این راستا تلاش مترجمان به منظور انتقال هرچه بیشتر و بهتر پیام داستان به خواننده در بسیاری از موارد به مقصدگرایی ترجمه انجامیده و پیام متن اصلی با تغییراتی همراه بوده است. علاوه بر تسلط مترجم با دو زبان مبدأ و مقصد، آشنایی با نظریه‌های شناخته شده ترجمه، او را در ارائه ترجمه‌ای خوانا و دقیق یاری می‌رساند. در این بین نظریه مقصدگرای لادمیرال، دست مترجم را تا حدودی در انتخاب دستور زبان، واژگان، حذف، افزایش، جابه‌جایی و بسیاری مؤلفه‌های دیگر باز گذاشته است؛ زیرا که لادمیرال معتقد است که معنا به هر قیمتی باید منتقل شود.

1-1- بیان مسئله

ترجمه داستان کوتاه یک ترجمه ادبی و کار مترجمان ادبی است. «ترجمه ادبی یعنی فعالیت ذهنی خلاق در کانون شبکه‌ای پیچیده از رسوم فرهنگی. اثر خلاق، متفکرانه و شمی مترجم نباید حساسیت خود را نسبت به آن چیز انتزاعی ناشناخته‌ای که ترجمه می‌نامند، از دست بدهد» (Baker & Saldenia, 2017, p.511) (بیکر و سالدنیا، 2017، ص511).

از اینرو مترجم ادبی فردی دو زبانه و دو فرهنگی است. وی بر اساس مطالعات، تحقیقات و خلاقیت خود الگوی جدیدی در زبان دیگری می‌آفریند. آفرینش این الگوی جدید نیز مبنایی می‌گردد برای تفسیرها یا مطالب چندگانه‌ای که پا از مقاصد نویسنده اصلی فراتر می‌گذارد. مترجم آثار داستانی باید متوجه ضرباهنگ‌های مختلف، تشبیهات و نمادهایی باشد که نویسنده در صدها ورق به تصویر کشیده است. از اینرو ترجمه آثار ادبی فرآیندی بسیار اجتماعی و فرهنگ محور است که در آن مترجم نقشی محوری و مهم در زنجیره پیچیده روابط ایفا می‌کند.

همانگونه که مونا بیکر می‌گوید «ترجمه چاپ شده ثمره تلاش خلاقانه مترجم است که عامل مهمی در فعالیت ذهنی و کردار اجتماعی ترجمه محسوب می‌شود. نهایتاً مترجم است که با اتخاذ هزاران تصمیم حیات پس از مرگ به اثر ادبی اعطا می‌کند و اثر مذکور در زبان‌های دیگر موجودیت می‌یابد» (Ibid, p.515) (همان، ص515).

بر این اساس، لادمیرال مترجمان را متناسب با گرایش آنها به یکی زبان‌های مقصد یا مبدأ به دو گروه «مبدأ محور» و «مقصد محور» تقسیم می‌کند. در حالی که مترجمان مبدأ محور سعی در انتقال محتوا و ساختار متن از زبان مبدأ به زبان مقصد دارند، مترجمان مقصد محور، بر درک صحیح متن از سوی نویسنده و بازگویی پیام آن در قالب زبان مقصد تأکید می‌کنند. از نظر لادمیرال، مترجم باید در ترجمه به خوانایی و باز آفرینی متن مبدأ بپردازد. (فیضی، 2024، ص185) (Faizi, 2024, p.185)

به عبارت دیگر، هدف این مترجمان، ارائه ترجمه‌ای مفهوم و قابل خواندن برای مخاطبان جامعه مقصد است. «لادمیرال در این خصوص از «روح متن» به جای درک و تفسیر متن استفاده می‌کند. او با تأثیر از مکتب پاریس خود به صراحت جانب مترجمان مقصدمحور را می‌گیرد» (Niazi&Ghasemi Asl, 2017, p. 85) (نیازی و قاسمی اصل، 2017، ص 85).

در پژوهش حاضر برآنیم که ترجمه برخی از داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ مصری را که به قلم محمدرضا مرعشی پور نگاشته شده است مورد واکاوی قرار دهیم و تطابق آن را با نظریه مقصدگرایی لادمیرال بسنجیم.

1-2- پرسش‌های پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی با تکیه بر نظریه لادمیرال در صدد آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

1- ترجمه داستان‌های کوتاه عربی نجیب محفوظ تا چه میزان با مؤلفه‌های نظریه مقصدگرایی لادمیرال تطابق دارد؟

2- با توجه به نظریه لادمیرال، مترجم در شیوه بیان خود تا چه میزان ترجمه روانی به فارسی ارائه داده است؟

1-3- پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش دو نوع کلی را شامل می‌شود. نخست مقالاتی که کاربست نظریه لادمیرال را بر ترجمه عربی مورد بررسی قرار داده‌اند و دوم مقالاتی که ترجمه داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ را واکاوی کرده‌اند:

در مورد نوع اول مقالات زیر یافت شد:

- مقاله «تحلیل و نقد ترجمه دشتی از نهج البلاغه با تکیه بر دیدگاه لادمیرال» (2022)؛ سلیمی و نظری، پژوهش‌نامه علوی؛ این مقاله با بررسی ده خطبه نهج البلاغه به عنوان پیکره تحقیق بر مبنای مقصدمحوری ترجمه دشتی و میزان هماهنگی و کارآمدی آن بر مبنای مؤلفه‌های دیدگاه لادمیرال است و نتیجه آن تناسب ترجمه دشتی با عنصر جابجایی، بازآفرینی عبارات با تکیه بر روان‌سازی متن بر مبنای مقصدمحوری لادمیرال می‌باشد.

- مقاله «نقد ترجمه محمد دشتی از حکمت‌های نهج البلاغه بر اساس الگوی لادمیرال» (2021)؛ بابازاده اقدم و همکاران، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث؛ یافته‌های پژوهش نشان از تطابق ترجمه دشتی با نظریه لادمیرال دارد و تمام تلاش مترجم بر آن بوده تا پیام متن را به مخاطب برساند.

- مقاله «ارزیابی فرآیند ترجمه واژگان نهج البلاغه بر اساس نظریه لادمیرال» (2017)؛ صیادانی و اصغرپور، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با توجه به مؤلفه‌های لادمیرال، رویکرد مترجم در بخش‌هایی از ترجمه، مقصدگرایی و در بخشی دیگر مبدآگرایی بوده و با وجود پایبندی به واژگان زبان مبدآ، توجه خود را به انتقال معنا و پیام متن نیز معطوف داشته است.

- مقاله «بررسی مقابله‌ای فرآیند حذف یا آنتروپی در ترجمه‌های فارسی هزار و یک شب» (2016)؛ دلشاد و مسبوق، مجله مطالعات زبان و ترجمه؛ نتیجه پژوهش این است که فرآیند حذف در عملیات ترجمه بنابر الزامات فراوانی نظیر الزامات فرهنگی، زبانی، سبکی و غیره رخ

می‌دهد و حذف را در سه مقوله بیان حالات عشقی، برگردان اشعار و نشانه‌های عربی- اسلامی در ترجمه‌های فارسی هزار و یک شب مورد ارزیابی و سنجش قرار داده است.

- مقاله «بازکاوی ترجمه عبداللطیف تسوجی از داستان بنیادین هزار و یک شب بر اساس الگوی ژان رنه لادمیرال» (2016)؛ دلشاد و همکاران، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی؛ نتیجه پژوهش به این امر اشاره می‌کند که با توجه به مقصدگرایی لادمیرال، ترجمه تسوجی همسویی چشمگیری با نظریه لادمیرال دارد.

در نوع دوم مقالات زیر نگاشته شده است:

- مقاله «ده داستان کوتاه نجیب محفوظ با محوریت زن از منظر ساختارگرایی ولادیمیر پراپ» (2017)؛ گیلانی و همکاران، ششمین همایش ملی نقد و نظریه ادبی؛ نگارندگان دریافته‌اند که الگوی ساختارگرایی پراپ در این داستان‌ها که محوریت آنها زن و عشق به او بوده، کاربرد دارد و با وجود اینکه تشخیص درونمایه داستان‌ها پیچیده است؛ اما از زیربنای واحد تشکیل شده‌اند که تشخیص این زیربنای واحد راهگشای منتقدان در حیطه نقد داستان خواهد بود.

- مقاله «رنالیسم جادویی در برخی از داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ» (2016)؛ نصیری ومصطفوی روضاتی. مجله لسان مبین؛ هدف مقاله نشان دادن این نکته است که نجیب محفوظ میان نمادها و عناصر جادویی با تاریخ معاصر اعراب؛ بویژه سرزمین مصر از یک سو و با نیمرخ روانی شخصیت‌های داستان از سوی دیگر چگونه پیوند برقرار کرده است. شکست اعراب از اسرائیل، خفقان سیاسی جوامع عرب، و نیز ناآگاهی ملی اعراب به ویژه مصریان و کشمکش درونی شخصیت‌ها و تلاش برای گریز از مجازات از جمله مواردی است که با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جادویی به شکلی محسوس در کانون توجه نجیب محفوظ بوده است.

جستجوی نگارندگان حاکی از این است که تاکنون هیچ پژوهشی، ترجمه فارسی داستان‌های کوتاه عربی را طبق نظریه لادمیرال بررسی نکرده و پژوهش حاضر نخستین در این زمینه است.

1-4- روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، توصیفی- تحلیلی است که در وهله نخست نظریه لادمیرال و مؤلفه‌های آن تبیین می‌شود و سپس میزان تطبیق این نظریه بر نمونه‌هایی از ترجمه فارسی داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ واکاوی خواهد شد.

2- مبانی نظری پژوهش

داستان‌های کوتاه حول محور یک موضوع می‌چرخند و نویسنده از شاخ و برگ اضافی پرهیز می‌کند تا مخاطبش درک بهتری از موضوع داشته باشد. شخصیت‌های فرعی نیز در داستان‌های کوتاه کم و اندک حضور دارند و یا اصلاً به آنها پرداخته نمی‌شود. اما آنچه داستان‌های کوتاه را برای مخاطبان جذاب می‌کند، مهارت نویسنده در بیان موضوع مورد نظرش است. نویسندگان مشهور و با مهارت در داستان‌های کوتاه آنچنان ذهن مخاطب را درگیر موضوع داستان می‌کنند که خواننده را به تفکر وامی‌دارند. با اینکه داستان‌های کوتاه حول یک موضوع می‌چرخد اما

دیدگاه‌های متفاوتی از شخصیت‌های گوناگون درباره آن بیان و به همین سبب جذابیت این داستان برای علاقه‌مندان مطالعه بیشتر می‌شود.

نجیب محفوظ عبدالعزیز ابراهیم احمد الباشا¹ نمایشنامه‌نویس و نویسنده مصری (2006م.-1911م.) است. نجیب محفوظ یکی از سرشناس‌ترین نویسندگان ادبیات مدرن عرب تلقی می‌شود (العتابی، 2022، ص 281) (Al-Attabi, 2022:p. 281)

محفوظ در زندگی حرفه‌ای خود سال 1988م. برنده جایزه نوبل ادبیات شد. او در رمان‌های نخستین خود زمان مصر باستان را به تصویر می‌کشد؛ اما در اثر بزرگش که با نام سه‌گانه مصر² شناخته می‌شود، جامعه مدرن مصر را توصیف کرده است. این سه رمان زندگی سه نسل از خانواده‌های مختلف را در قاهره از جنگ جهانی اول تا بعد از کودتای نظامی سال 1952م. که سبب سقوط شاه فاروق شد، بیان می‌کند. محفوظ در طول دوران نویسندگی اش حدود 40 رمان و داستان کوتاه و 30 نمایشنامه نگاشته است. محفوظ که موفقیت خوبی در نوشتن داستان کوتاه داشت، 19 مجموعه داستان کوتاه دارد. کتاب «خاکستر» نوشته نجیب محفوظ مجموعه داستان‌های کوتاه واقع‌گرایانه است و می‌توان آن را به چهار دسته طبقه‌بندی کرد: «دسته اول تصویری ماهرانه از واقعیات زندگی و حوادث تلخ و شیرین آن است. دسته دوم همان واقعیات زندگی با چاشنی طنز به مخاطب ارائه می‌شود و نویسنده در دسته سوم واقعیت و رویا را درهم می‌آمیزد. گروه چهارم هم نمادهایی است که توسط نویسنده در داستان‌هایش به کار گرفته شده است» (Marashi Pur, 2021, p. Introduction) (مرعشی‌پور، 2021، ص مقدمه). عناوین برخی از داستان‌ها عبارتند از: چهره دیگر، زیر سرپناه، میکده گریه سیاه، اتاق شماره دوازده، واژه نامفهوم، تاریکی، آواز مست و خواب.

مجموعه داستان کوتاه «خاکستر» نجیب محفوظ را محمدرضا مرعشی‌پور در سال 2021 ه.ش. به فارسی برگردانده است. در کتاب حاضر بعضی از داستان‌های پیشین بازنویسی شده و با پانزده داستان جدید مجموعه «خاکستر» شکل گرفته است.

از جمله متخصصانی که در حوزه فلسفه به ارائه نظرهایی در خصوص ترجمه‌شناسی پرداخته است، ژان رنه لادمیرال³ (1942م.) فیلسوف، مترجم و نظریه‌پرداز معاصر فرانسوی است. وی دیدگاه خود را بر تلفیقی از دو حوزه مهم در فلسفه یعنی فلسفه زبان و نظریه شناخت قرار داده است و بر اساس آن، به ارائه نظرهایی در خصوص ترجمه پرداخته که در نوع خود نگرشی نو در حوزه ترجمه‌شناسی محسوب می‌شوند. به عقیده لادمیرال چنانچه ترجمه‌شناسی و مباحث مربوط به آن از منظر مترجم که فردی دارای قوه ادراک و تشخیص است، بررسی شود، جایگاه ترجمه‌شناسی بیشتر در حوزه نظریه شناخت قرار می‌گیرد. از این دیدگاه مترجم به - هنگام ترجمه یک متن به تعامل با جهان بینی‌ای می‌پردازد که در تفاوت و گاه در تضاد با جهان بینی جامعه مقصد قرار دارد، ضمن آنکه در قالب زبان خود یعنی زبان مبدأ نیز بیان شده است. در این حالت مترجم با دو گزینه اصلی و در واقع دو رویکرد روبه‌رو می‌شود. اول آنکه تأکید و اهمیت ترجمه را بر انتقال محتوا و رعایت نحوه بیان نویسنده و حفظ ساختار زبانی متن مبدأ قرار دهد و از این

¹ Naguib Mahfouz Abdelaziz Ibrahim Ahmed Al-Basha

² The Cairo Trilogy

³ Jean-René Ladmiral

طریق به ترجمه‌ای تحت‌اللفظی پردازد که چنین ترجمه‌ای به دلایل مختلف از جمله عدم توانایی در بیان پیام متن و همچنین انعکاس زبان مبدأ در مقصد که خود نوعی هنجارشکنی محسوب می‌شود، رضایت مخاطب خود را برآورده نخواهد ساخت. شیوه دیگر، اتخاذ روشی مشابه با شیوه مطالعات در حوزه «قوم‌نگاری»⁴ است. «در این حالت مترجم همانند یک قوم‌نگار به مطالعه در خصوص اندیشه‌ها و جهان‌بینی موجود در پس هر یک از زبان‌های مبدأ و مقصد می‌پردازد. تجربیات، ارزش‌ها و تصوراتی را که در قالب یک زبان بیان شده است، در چارچوب فرهنگ و جامعه همان زبان بررسی می‌کند و به شناسایی آنها می‌پردازد و سپس در مرحله بعد، این تصورات و ارزش‌ها را در چارچوب فرهنگ و جامعه مقصد بیان می‌کند (Haqqani, 2007, p.212):

(حقانی، 2007، ص 212). لادمیرال در سال 1972 م. برای نخستین بار واژه «ترجمه‌شناسی» و «مطالعات ترجمه» را به کار برد که هدف از آن بررسی و رویارویی با مشکلات ترجمه‌ی مستقل از زبان‌شناسی و ادبیات بود. بر اساس نظریه او در کتابش «گزاره‌هایی در باب ترجمه»⁵ (1994 م)، ترجمه راهبردی تجویزی می‌یابد که طبق آن حفظ کلام (صورت و معنا) یا باید با محوریت فرهنگ مبدأ و یا فرهنگ و زبان مقصد صورت پذیرد. او معتقد است: «هدف ترجمه‌شناسی مولد، بیش از آنکه تولید و گردآوری دانش در زمینه‌های مختلف ترجمه باشد، اشاعه گفتمان فرهنگ ترجمه‌شناختی است، گفتمانی که بر اساس آن مترجم با تکیه بر اندیشه بتواند عمل ترجمه را بهتر انجام دهد» (Ladmiral, 2021, p. 15) (لادمیرال، 2021، ص 15).

او ترجمه را در کتاب خود چنین تعریف می‌کند: «ترجمه بیان همان چیز به زبانی دیگر است و تمام ابهامات موجود در باب مفهوم معادل‌یابی را در برمی‌گیرد. عملیاتی فرا ارتباطی که هویت گفتار را به واسطه تفاوت میان زبان‌ها تضمین می‌کند. گفتار پیام خاص سخنور یا نویسنده است که زبان را به کار می‌گیرد. محصول تعامل زبان و گفتار، متن است که از اطلاعات تشکیل شده است» (Ibid, p.213) (همان، ص 213)

لادمیرال مؤلفه‌هایی را برای رویارویی با مشکلات ترجمه برمی‌شمارد که مترجم باید آنها را بشناسد و به آنها عمل کند. این نظریه پرداز مقصدگرا معتقد است که محدود نمودن ترجمه به رمزگردانی ساده نادرست است و ترجمه باید با باز نویسی همراه باشد و مترجم در آن به تولید معنا یا آفرینش مجدد پردازد. «لادمیرال علیرغم لحن اندکی جزم‌آمیز قضایای خود، با توجه به اینکه به توصیف نظری عمل ترجمه می‌پردازد، بیشتر به عنوان نظریه‌پرداز توصیفی مشهور است تا تجویزی. او در کتاب خود ضرورت بازسازی بافتی را نشان می‌دهد که امکان درک دقیق متنی را که در حوزه‌ی خود نوآورانه است، در زبان مقصد فراهم می‌کند» (Mohseni, 2009, p. 10) (محسنی، 2009، ص 10).

Ethnographie -⁴

Traduire: théorèmes pour la traduction-⁵

3- بررسی و تحلیل تطبیقی نظریه لادمیرال بر ترجمه

با شرح مؤلفه‌هایی که لادمیرال برای ترجمه ارائه می‌دهد، نمونه‌هایی از ترجمه که با این مؤلفه‌ها همخوانی دارند نیز ارائه شده است:

3-1- جابه‌جایی⁶

این شیوه فقط در سطح دستور زبان انجام می‌شود. با توجه به تفاوت قواعد دستوری هر زبان با زبان دیگر، گاهی جایگاه کنشگران جمله و نیز اطلاعات موجود در زبان مقصد متناسب با ساختار دستوری زبان مقصد جابه‌جا می‌شود. شکستن جملات بلند عربی و تبدیل آنها به چند جمله کوتاه فارسی، تبدیل اسم یا مصدر به فعل و یا جابه‌جا کردن فعل از ابتدای جمله عربی به آخر جمله فارسی از این موارد است.

- انعقد السحاب وتكاثف كليل هابط ثم تساقط الرذاذ

(Mahfouz, 1979, p. 711) (محموظ، 1979، ص 711)

- ابرها به هم برآمدند و تیره و متراکم شدند و نم نم باران باریدن آغاز کرد (Marashi Pur, 2021, p. 308) (مرعشی‌پور، 2021، ص 308)

در ترجمه بنابر ساخت دستور زبان فارسی، فعل‌ها بر خلاف عربی در آخر جمله و بعد از فاعل آمده است که این جابه‌جایی اجباری به دلیل تفاوت ساختار دو زبان مبدأ و مقصد بوده و گریزی از آن نیست.

- وأوشكت الرتابة أن تجمد المنظر لولا أن اندفع الرجل (Mahfouz, 1979, p. 711) (محموظ، 1979، ص 711)

- اگر مرد به صحنه نمی‌آمد، بیم آن می‌رفت که خیابان به حال عادیش بازگردد (Marashi Pur, 2021, p. 308) (مرعشی‌پور، 2021، ص 308)

در این نمونه هم فعل‌ها ناگزیر در فارسی به آخر جمله منتقل شده‌اند. اما جابه‌جایی در جملات پایه و پیرو نیز صورت گرفته که به اختیار مترجم بوده است.

- جعل يراقب الطريق بمنظاره متجولا به بين الأركان

(Mahfouz, 1979, p. 714) (محموظ، 1979، ص 714)

- گوشه و کنار خیابان را با دوربینش کاوید

(Marashi Pur, 2021, p. 312) (مرعشی‌پور، 2021، ص 312)

در این جمله هم بنابر اقتضای دستور زبان فارسی در ارکان جمله جابه‌جایی دیده می‌شود.

3-2- تکرار⁷

گاهی در متن مبدأ، تکرار وجود ندارد، اما در ترجمه برای اجتناب از ابهام در معنا باید به تکرار روی آورد. لادمیرال معتقد است جایی که ضرورت ایجاد می‌کند باید دست به تکرار زد. مثلاً در جملات عربی با وجود چهارده صیغه افعال مختلف، گاهی مترجم ناگزیر به تکرار اسامی یا مرجع

⁶ - Chasse croise

⁷ - Repetition

ضمیر در ترجمه می‌شود. در این مواقع با توجه به جنسیت‌گرایی زبان عربی، تکرار امری ضروری است.

- وها هم یصغون إلیه (Mahfouz, 1979, p. 712) (محفوظ، 1979، ص 712)

- و آن مردم به او گوش فرا می‌دادند

(309) (Marashi Pur, 2021, p. 309) (مرعشی‌پور، 2021، ص 309)

در جمله عربی ضمیر «هم» به کار رفته که مرجع آن برای عرب‌زبان مفهوم است؛ اما مترجم برای درک خواننده فارسی، ضمیر جمع را به مردم ترجمه نموده است. بیکر معتقد است «زبان عربی به خاطر استفاده از تکرارهایش به عنوان یک وسیله مهم بلاغی معروف است. این تکرارها شامل تکرار صورت و معنی است، در نتیجه یک موضوع بارها به شیوه مختلف تکرار می‌شود تا با بیان چندباره آن خواننده اقناع شود» (Backer, 2014, p. 277) (بیکر، 2014، ص 277).

- ووشت الحركات بحرارة دفاعه (Mahfouz, 1979, p. 712) (محفوظ، 1979، ص 712)

- دزد با حرکات‌های خویش بر حرارت دفاع از خود می‌افزود. (Marashi Pur, 2021, p. 309) (مرعشی‌پور، 2021، ص 309)

در متن اصلی دزد نیامده اما مترجم در ترجمه با توجه به ضمیر در «دفاعه»، دزد را اضافه کرده تا خواننده در درک معنا به اشتباه نیفتد. این تکرار ضروری است.

- انقلبنا معا محدثین انفجارا (Mahfouz, 1979, p. 712) (محفوظ، 1979، ص 712)

دو اتومبیل با هم واژگون شدند و انفجاری رخ داد

(309) (Marashi Pur, 2021, p. 309) (مرعشی‌پور، 2021، ص 309)

در جمله عربی اتومبیل صراحتاً نیامده اما فعل مثنی «انقلبنا» به دو اتومبیل اشاره دارد و مترجم برای رفع ابهام در ترجمه از اسم ظاهر در فارسی بهره گرفته است.

- واندس بین الواقین رجل ضخم (Mahfouz, 1979, p. 714) (محفوظ، 1979، ص 714)

- مردی چهارشانه خود را بین آدم‌های ایستاده زیر سرپناه جا زد. (Marashi Pur, 2021, p. 312) (مرعشی‌پور، 2021، ص 312)

در متن اصلی فقط «الواقین» آمده و الف و لام آن نشانه معرفه بودن نزد خواننده متن عربی است اما مترجم برای رفع ابهام در فارسی، آدم‌های زیر سرپناه را نیز بدان افزوده است.

- حاول اللص الإفلات فأمسكوا به وانهالوا علیه صفعاً ولكما فمناً شدة الضرب قاوم وضرب كيفما اتفق (Mahfouz, 1979, p. 711) (محفوظ، 1979، ص 711)

- دزد برای فرار کوشید که گرفتندش و با مشت و لگد به جانش افتادند. اما دزد برپا ماند و او هم ضربه‌هایی کور را حواله‌شان کرد. (Marashi Pur, 2021, p. 309) (مرعشی‌پور، 2021، ص 309)

در جمله دوم، فاعل فعل «قاوم» ضمیر مستتر و منظور همان دزد است اما مترجم کلمه دزد را در فارسی برای رفع ابهام تکرار کرده است. چون تکرار، متضمن نوعی تأکید است.

3-3- حق انتخاب مترجم⁸

با این مؤلفه لادمیرال به مترجم حق انتخاب می‌دهد تا معادل مناسبی ارائه دهد که بیشترین همخوانی و نزدیکی را با متن مبدأ داشته باشد. پس مترجم از متن مبدأ فاصله می‌گیرد و دست به انتخاب متفاوت با دال و مدلول متن مبدأ می‌زند.

- لم یبالوا بهما کما لایبالون بالمطر

(Mahfouz, 1979, p. 712) (محمفوظ، 1979، ص 712)

- همانطوری که به باران توجهی نداشتند به آن دو نیز دل ندادند (Marashi Pur, 2021, p. 309) (مرعشی‌پور، 2021، ص 309)

مترجم یک بار فعل «لایبالون» را به توجه کردن ترجمه کرده است. اما بار دوم ترجمه این فعل را به دلخواه و انتخاب خود به صورت کنایی دل ندادن آورده است.

- وضمو إليها جثة المنکفی علی وجهه من تحت العاشقین اللذین لم یکفا عن ممارسة الحب (Mahfouz, 1979, p. 713) (محمفوظ، 1979، ص 713)

- جسدی را نیز که به رو افتاده بود، از زیر عاشقانی که هنوز نرد عشق می‌باختند، بیرون کشیدند (Marashi Pur, 2021, p. 311) (مرعشی‌پور، 2021، ص 311)

مترجم عبارت «ممارسة الحب» را به نرد عشق باختن ترجمه کرده و بنابر الزام فرهنگی از معنای حقیقی آن فاصله گرفته و معنای مجازی را برگزیده است.

- لایبدو أن أحدا یجهل الواقعة (Mahfouz, 1979, p. 723)

(محمفوظ، 1979، ص 723)

- کوس رسوایی ما را زده اند (Marashi Pur, 2021, p. 361) (مرعشی‌پور، 2021، ص 361)
فعل «یجهل» به معنای نادیده گرفتن است؛ اما مترجم جمله عربی را با یک عبارت آشنای فارسی جایگزین نموده است که به درستی منظور نویسنده را به مخاطب برساند.

- ولا من سمع ولا رأی (Mahfouz, 1979: 580) (محمفوظ، 1979، ص 580)

- شتر دیدی ندیدی (Marashi Pur, 2021, p. 53) (مرعشی‌پور، 2021، ص 53)

- استفاده از یک ضرب‌المثل معروف فارسی به جای ترجمه تحت‌اللفظی عبارت عربی، به خوبی انتخاب درست مترجم را نشان می‌دهد. طبق نظریه لادمیرال، او تا حدودی دست مترجمان را در انتخاب معادل مناسب و کاهش یا افزایش متن برای انتقال حداکثری معنا به مقصد، باز می‌گذارد.

- وأثر من شخص أراد معاودة النداء فخذله صوته (Mahfouz, 1979, p. 727) (محمفوظ، 1979، ص 727)

- و باز کسانی بودند که می‌خواستند چیزی بگویند اما از خیرش گذشتند (Marashi Pur, 2021, p. 442) (مرعشی‌پور، 2021، ص 442)

از خیر چیزی گذشتن در فارسی کنایه از رد کردن و نخواستن چیزی است که مترجم آن را جایگزین فعل «خذل» کرده است.

- من أي منفذ تسلل؟ (Mahfouz, 1979, p. 726) (محمفوظ، 1979، ص 726)

- از کدام سوراخ فلنگ را بست؟ (Marashi Pur, 2021, p. 442) (مرعشی‌پور، 2021، ص 442)

⁸ - Le choix du traducteur

فلنگ را بستن یک عبارت کنایی به معنای فرارکردن از چیزی است که با توجه هم‌آیی واژگان «منفذ» و «تسلل» در عربی به درستی ترجمه شده است.

3-4- ابهام‌زدایی⁹

آنچه که سبب ابهام در متن می‌شود ویژگی‌ها و مختصات زبانی مختص هر زبان است که گاهی مترجم را با مشکل مواجه می‌سازد. مثلاً زمانی که مترجم با ضمائر جنسیتی و عددی و یا واژگان مبهمی در متن مبدأ برمی‌خورد، در اینجا لادمیرال شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی را پیشنهاد می‌کند؛ چون معتقد است معنا باید به هر قیمتی منتقل شود.

- وهو يسعل كثيرا ثم يقول لها (Mahfouz, 1979, p. 725) (محمفوظ، 1979، ص 725)

- معلم بسیار سرفه می‌کند و به زن می‌گوید (Marashi Pur, 2021, p. 439) (مرعشی‌پور، 2021، ص 439)

در متن عربی فقط به آوردن ضمیر مذکر «هو» و ضمیر «ها» مؤنث بسنده شده است؛ چون با تفاوت ضمیر مذکر از مؤنث، خواننده عرب‌زبان منظور نویسنده را درمی‌یابد؛ اما در فارسی مترجم باید از اسم ظاهر معلم و زن استفاده کند تا این تفاوت را نشان دهد.

- بلغها السيد الأعمى الحانوتي قد جاء (Mahfouz, 1979, p. 704) (محمفوظ، 1979، ص 704)

- به خانم پیغام بدهید که اعمای کفن و دفن‌چی آمده است. (Marashi Pur, 2021, p. 377) (مرعشی‌پور، 2021، ص 377)

در این جمله مترجم ضمیر «ها»ی نشانه مؤنث را به خانم ترجمه نموده است تا ابهام را برطرف کند؛ زیرا این امر اقتضای زبان جنسیتی عربی می‌باشد. واژه «الحانوتي» نیز به «کفن و دفن‌چی» ترجمه شده است که خیلی عامیانه به نظر می‌رسد.

- أخذت أول طائرة (Mahfouz, 1979, p. 152) (محمفوظ، 1979، ص 152)

- با نخستین پرواز خودم را رساندم (Marashi Pur, 2021, p. 346) (مرعشی‌پور، 2021، ص 346)

در این جمله مترجم کوشیده که منظور نویسنده را از گرفتن اولین هواپیما، با افزودن واژه پرواز بیان نماید.

- لكي أبرىء ذمتي (Mahfouz, 1979, p. 734) (محمفوظ، 1979، ص 734)

- برای اینکه حجت را تمام کرده باشم (Marashi Pur, 2021, p. 432) (مرعشی‌پور، 2021، ص 432)

در عبارت عربی گفته خود را تبرئه می‌کنم که این عبارت در فارسی با عبارت کنایی اتمام حجت بیان می‌شود.

- ولكن الضرب كان حقيقيا (Mahfouz, 1979, p. 712) (محمفوظ، 1979، ص 712)

- اما کتک کاری واقعی بود (Marashi Pur, 2021, p. 309) (مرعشی‌پور، 2021، ص 309)

⁹ - La desambugation

در این جمله نیز مترجم «الضرب» را به کتک‌کاری ترجمه نموده است که در زبان فارسی کاربرد بیشتری دارد.

3-5- ناهمگون سازی¹⁰

لادمیرال این مؤلفه را از حوزه «آشناسی ترکیبی» وام گرفته است. او مترجم را تشویق می‌کند با فاصله گرفتن از مدلول متن مبدأ، دال‌های دیگری با همان بار معنایی مدلول مبدأ در متن مقصد بازآفرینی کند. این شیوه در ترجمه اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها کاربرد بیشتری دارد.

- لن یجدی خداعک (Mahfouz, 1979, p. 728) (محمفوظ، 1979، ص 728)

- حنایت رنگی ندارد (Marashi Pur, 2021, p. 444) (مرعشی‌پور، 2021، ص 444)
رنگ نداشتن حنا در فارسی کنایه از بی‌فایده بودن حيله و مکر به کار می‌رود که به درستی جایگزین عبارت عربی شده است.

- ولکننی لم أقع کذباً (Mahfouz, 1979, p. 733) (محمفوظ، 1979، ص 733)

- ولی من به این سادگی دم به تله نمی‌دهم (Marashi Pur, 2021, p. 432) (مرعشی‌پور، 2021، ص 432)

دم به تله ندادن کنایه از فریب نخوردن بوده و ترجمه مناسبی برای عبارت عربی است.

- وکنت علی یقین الخسران الشخصي مهما تكون نتيجة المعركة (Mahfouz, 1979, p. 735) (محمفوظ، 1979، ص 735)

- یقین داشتم که نتیجه جنگ هرچه باشد دودش به چشم شخص من خواهد رفت (Marashi Pur, 2021, p. 434)

(مرعشی‌پور، 2021، ص 434)

دود آتش به چشم کسی رفتن در فارسی کنایه از ضرر و زیان رسیدن به کسی است که خود این آتش را برافروخته است. مترجم با توجه به واژگان «الخسران الشخصي» در جمله عربی این عبارت کنایی را انتخاب نموده است.

- استهلکوا قدرتهم علی الانتظار (Mahfouz, 1979, p. 726) (محمفوظ، 1979، ص 726)

- کاسه صبرشان لبریز شد (Marashi Pur, 2021, p. 441) (مرعشی‌پور، 2021، ص 441)

مترجم به جای ترجمه تحت‌اللفظی جمله عربی که به خوبی نمی‌تواند منظور نویسنده را برساند، از لبریز شدن کاسه صبر یعنی یک کنایه آشنا در فارسی به معنای اتمام صبر و حوصله بهره گرفته است.

- عید الأناض هلت بشایره (Mahfouz, 1979, p. 556) (محمفوظ، 1979، ص 556)

- امشب شب مهتابه، عزیزم را می‌خوام (Marashi Pur, 2021, p. 371) (مرعشی‌پور، 2021، ص 371)

مترجم عبارت عربی را با یک بیت شعر جایگزین نموده که برای فارسی زبانان آشنا و مأثوس است.

- قیدت القضية ضد مجهول (Mahfouz, 1979, p. 153) (محمفوظ، 1979، ص 153)

- قضیه ماست مالی شد (Marashi Pur, 2021, p. 346) (مرعشی‌پور، 2021، ص 346)

¹⁰ - Dissimilation

ماست مالی شدن کنایه از نادیده گرفتن امری به قصد است و با توجه به پیرنگ داستان جایگزین مناسبی برای عبارت عربی می‌باشد.

3-6- آنروپی¹¹

بی‌شک ترجمه در عمل همواره نسبی و مانند هر عمل ارتباطی دیگری با میزان معینی از آنروپی یا اتلاف اطلاعات همراه خواهد بود. گاهی در متن مبدأ کلماتی وجود دارند که فاقد بار معنایی در مقصد هستند که این امر اغلب به ساختار زبان ها مرتبط است. ترجمه نکردن این کلمات نه تنها خللی به ایجاد معنا نمی‌کند، بلکه متن را در مبدأ شفاف و قابل فهم می‌سازد. بنابراین نظریه لادمیرال به مترجم اجازه می‌دهد تا از این کلمات در ترجمه چشمپوشی کند. او معتقد است که مترجم گاه می‌تواند به حذف گزاره‌ای متنی روی آورد. این فرآیند در عملیات ترجمه بنابر الزامات فراوانی نظیر الزامات فرهنگی، زبانی، سبکی و غیره رخ می‌دهد.

- اینی أسخر بکلام فارغ (Mahfouz, 1979, p. 725) (محفوظ، 1979، ص 725)

- من در یاهوسرایبی دست هم‌هتان را از پشت بسته‌ام (Marashi Pur, 2021, p. 160) (مرعشی پور 2021، ص 160)

ملاحظه می‌شود که «این» در آغاز جمله عربی برای تأکید آمده اما در فارسی ترجمه نمی‌شود. مترجم فعل «أسخر» را نیز با بستن داستان از پشت جایگزین نموده است تا به بار ادبی جمله بیفزاید.

- رقع الرجل إلی جانبها و بدأ غزل رقیق بالأیدی والشفاة (Mahfouz, 1979, p. 713) (محفوظ، 1979، ص 713)

- مرد در کنار زن زانو زد و مغازله‌ای لطیف را آغاز کردند (Marashi Pur, 2021, p. 311) (مرعشی‌پور، 2021، ص 311)

ملاحظه می‌شود که مترجم به دلیل الزام فرهنگی مقصد، در ترجمه جمله «بدأ غزل رقیق بالأیدی والشفاة» فقط از یک واژه مغازله بهره گرفته و برخی کلمات را در ترجمه حذف کرده است.

- و جلس في الفراش معتمدا بذراعیه علی ساقیه، متقوسا تحت وطأة غم لاحت آیاته في وجهه الممتلي العریض (Mahfouz, 1979, p. 574) (محفوظ، 1979، ص 574)

- چهار زانو بر رختخواب نشست. پیکرش زیر بار اندوهی که بر چهره پهن و زمختش نمایان بود، خم شد

(Marashi Pur, 2021, p. 46) (مرعشی‌پور، 2021، ص 46)

همانطور که مشخص است بلند بودن جملات عربی اقتضا می‌کند که مترجم آن را به صورت شکسته و به جملات کوتاه تجزیه نماید.

- رأیته کما رأیته آخر لیلة في الخیامة (Mahfouz, 1979, p. 575) (محفوظ، 1979، ص 575)

- مثل آن شب آخر در خیامه دیدمش (Marashi Pur, 2021, p. 47) (مرعشی‌پور، 2021، ص 47)
فعل رأیت در متن عربی دوبار آمده اما مترجم به یک بار ترجمه آن بسنده کرده زیرا که معنا به صراحت بیان شده است.

- ونهضت فجأة (Mahfouz, 1979, p. 737) (محفوظ، 1979، ص 737)

¹¹ - Entropie

- ناگهان برخاستم (Marashi Pur, 2021, p. 72) (مرعشی‌پور، 2021، ص 72) «واو» جمله عربی در ترجمه فارسی حذف شده است. چون جمله فارسی بعد از نقطه، با واو شروع نمی‌شود. جمله‌های عربی معمولاً با واو ابتدائیه یا استینافیه شروع می‌شوند که بنا بر مؤلفه آنتروپی، این واو در ترجمه حذف شده، چون در معنا دخیل نبوده است.

- أنا لأبالي بعدو مادمت أعرفه، أما الذي لم أعرفه ولم أره (Mahfouz, 1979, p. 576) (محفوظ، 1979، ص 576)

- از دشمن شناخته شده واهمه‌ای ندارم ترسم از کسی است که تا به حال نه دیده‌ام و نه می‌شناسمش (Marashi Pur, 2021, p. 47) (مرعشی‌پور، 2021، ص 47)

«أما» در ابتدای جمله دوم عربی در ترجمه لحاظ نشده و نیز بین دو فعل شناختن و دیدن در ترجمه جابجایی صورت گرفته است.

3-7- افزوده سازی¹²

این مؤلفه برعکس آنتروپی، شامل افزوده‌هایی در سطح دال و یا مدلول است. لادمیرال معتقد است مترجم باید اطلاعات ضمنی متن مبدأ را که برای انتقال معنای مورد نظر نویسنده مبدأ، ضروری هستند به مقصد منتقل کند و این امر ناگزیر با افزودن اطلاعات اضافی به متن صورت می‌گیرد.

- در مواردی مترجم برخی از کلمات در متن اصلی را در زیرنویس شرح داده و یا اطلاعاتی اضافه بر متن به منظور اطلاع خواننده بدانها افزوده است. مانند «جنیه، قُرُش و ملیم» که در زیرنویس به عنوان واحد پول مصر و جنیه یعنی لیره مصری برابر صد قرش و هزار ملیم معرفی شده است.

- «جلیاب» نیز در زیرنویس به عنوان پیراهن بلند و گشادی که مصریان می‌پوشند، آمده است. افزوده‌سازی در ترجمه از زبان عربی که زبان ایجاز و اختصار است به زبان فارسی که زبان اطناب است، بیشتر نمود می‌یابد. مترجم با افزوده‌سازی، اطلاعات ضمنی متن را به خواننده می‌رساند.

3-8- انتقال¹³

در اینجا منظور از انتقال همان شیوه‌ای است که وینی و داربلنه در کتاب خود «سبک‌شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی: روشی برای ترجمه¹⁴» مطرح می‌کنند. یعنی واحد ترجمه، واژه نیست بلکه ترکیب نحوی و معنادر است و لادمیرال نیز بر آن صحنه می‌گذارد. انتقال یعنی تغییر در ساختار بدون تغییر در معنا که بر دو نوع اختیاری و اجباری است.

- تطلعوا الیه خرسا تحت المطر (Mahfouz, 1979, p. 712) (محفوظ، 1979، ص 712)

- زبان بسته، زیر باران حواسشان با او بود (Marashi Pur, 2021, p. 309) (مرعشی‌پور، 2021، ص 309)

¹² - Incrementialisation

¹³ - Transposition

¹⁴ - comparative stylistics of French and English: a methodology for translation

در متن عربی فعل ابتدای جمله و بلافاصله فاعل که ضمیر واو است و نیز حال هم بعد آن آمده است. اما در فارسی ابتدا حالت و جارو مجرور آخر جمله عربی ترجمه شده و فعل و فاعل در آخر جمله قرار گرفته است.

- ومضى مع الشرطي و هو يجز رجليه (Mahfouz, 1979, p. 720) (محمفوظ، 1979، ص 720)
- ولخ ولخ كنان همراه پاسبان به راه افتاد (Marashi Pur, 2021, p. 444) (مرعشی‌پور، 2021، ص 444)

جمله حالیه عربی که در آخر آمده، در ترجمه به ابتدای جمله فارسی منتقل شده است.

- قد يدهمك بغدره على غير انتظار (Mahfouz, 1979, p. 730) (محمفوظ، 1979، ص 730)
- غافلگیرانه نیش خودش را به تو می‌زند (Marashi Pur, 2021, p. 427) (مرعشی‌پور، 2021، ص 427)

در ارکان این جمله هم جابجایی صورت گرفته و هم مترجم یک عبارت آشنای فارسی یعنی نیش زدن را به جای مکر کردن به کار برده است.

- ولكنه سقط على وجهه سقطه نهائية (Mahfouz, 1979, p. 712) (محمفوظ، 1979، ص 712)
- اما به رو افتاد و دیگر برنخاست (Marashi Pur, 2021, p. 310) (مرعشی‌پور، 2021، ص 310)

جمله عربی دربرگیرنده مفعول مطلق است اما مترجم آن را به صورت دیگری ترجمه نموده که با توجه به واژه «نهائیه»، به خوبی منظور نویسنده یعنی مردن را به مخاطب رسانده است.

3-9- تفسیر حداقلی¹⁵

لامیرال از کمترین تفسیری صحبت می‌کند که گاهی ترجمه بدون آن گویا و شفاف نخواهد بود. او معتقد است این توضیح باید در بطن متن گنجانده شود. مترجم نباید در تفسیر افراط بورزد و فقط تا جایی مجاز به تفسیر است که خواننده را در درک بهتر معنا یاری رساند، نه اینکه خود یک اثر کامل بیافریند.

- والرأي؟ (Mahfouz, 1979, p. 733) (محمفوظ، 1979، ص 733)
- پس چه می‌گویی؟ (Marashi Pur, 2021, p. 431) (مرعشی‌پور، 2021، ص 431)
متن فقط حاوی یک کلمه است؛ اما مترجم به منظور خوانایی آن را با تفسیر به جمله ترجمه نموده که ترجمه دال با تشدید معنا همراه بوده است.

- صافح المعلم وتلا الصمدية (Mahfouz, 1979, p. 576) (محمفوظ، 1979، ص 576)
- با ارباب سلام و احوالپرسی کرد، در حالی که قل هو الله أحد می‌خواند (Marashi Pur, 2021, p. 49) (مرعشی‌پور، 2021، ص 49)

مترجم بنابر اقتضای متن، «المعلم» را به ارباب، فعل «صافح» به معنای دست دادن را به سلام و احوالپرسی و نیز «الصمدیه» را به آیه اول سوره توحید ترجمه نموده و کوشیده است تا با این عبارات معنای کاملی به خواننده انتقال دهد. مترجم به انتقال اطلاعات معنایی اضافی روی آورده است تا دلالت‌های ضمنی را به خواننده منتقل سازد. زیرا این اطلاعات درون مایه گفتمان متن اصلی است.

¹⁵ - Interpretation minimale

- والأحلام لا تری عبثاً (Mahfouz, 1979, p. 578) (محمفوظ، 1979، ص 578)
- خوابی که آدم می‌بیند بی‌معنا نیست (Marashi Pur, 2021, p. 51) (مرعشی‌پور، 2021، ص 51)
- مترجم در تفسیر کلمه «الأحلام» به خوابی که آدم می‌بیند، ترجمه کرده تا با آن به خواب قهرمان داستان و نیز موضوع اصلی اشاره کند. لادمیرال درج این تفسیر حداقلی را به منظور شفاف‌سازی و فهم بهتر خواننده متن ضروری می‌داند.
- وجدوا مکان المنزل ضریح ولی فی خلأ (Mahfouz, 1979, p. 580) (محمفوظ، 1979، ص 580)
- به جای خانه آن جوان ضریح امامزاده‌ای را در بیابان یافتند (Marashi Pur, 2021, p. 53) (مرعشی‌پور، 2021، ص 53)
- مترجم برای فهم خواننده از موقعیت مکانی داستان، دو کلمه جوان و امامزاده را به تفسیر در ترجمه آورده است. به عقیده لادمیرال «فرا ارتباط ترجمه‌ای با برقراری ارتباط میان دو زبان سبب عینیت بخشی به دلالت‌های ضمنی می‌شود و این امر را جلوه‌گر می‌سازد که دلالت‌های ضمنی فرهنگی هر زبانی مخصوص بافت آن زبان است و به همین علت باید ترجمه شود» (Ladmiral, 2021, p. 176) (لادمیرال، 2021، ص 176).

10-3- چستی ترجمانی¹⁶

- مترجم پیوسته در ترجمه باید توجه داشته باشد که آیا این کمینه اطلاعات در هر سطح از زبان موجود در متن مبدأ، مرتبط به گفتار خود نویسنده است و یا از زبان مبدأ ناشی می‌شود. اطلاعات نویسنده را باید منتقل کرد ولی اطلاعات زبانی را می‌توان با توجه به ضرورت‌های نوشتاری زبان مقصد ارائه داد. به عبارت دیگر مترجم در تمام مراحل ترجمه و تمام اجزای متن باید بداند آیا واحد ترجمه‌ای مدنظر به منظور و هدف خاصی در متن گنجانده شده یا صرفاً یک ضرورت ذاتی زبان مبدأ است.
- کل من کان فی المحطة استقل سيارته (Mahfouz, 1979, p. 716) (محمفوظ، 1979، ص 716)
- هرکس اتوبوسش را سوار شد و رفت (Marashi Pur, 2021, p. 315) (مرعشی‌پور، 2021، ص 315)
- در این جمله مترجم با توجه به واژه «المحطة»، «سيارة» را به اتوبوس و نه ماشین ترجمه نموده است که با این کار خواسته به مکان وقوع داستان یعنی ایستگاه اتوبوس اشاره کند. لادمیرال معتقد است «دلالت ضمنی فقط یک ضمیمه ذهنی سبک شناختی نیست که واژه را به معنای صریح مزین یا معزز کند، بلکه یک مؤلفه اطلاعاتی است که فرا ارتباط ترجمه‌ای آن را هم ردیف دلالت صریح قرار داده است» (Ladmiral, 2021, p. 171) (لادمیرال، 2021، ص 171).
- ومضى يعالج بها الفقل حتى فتحه (Mahfouz, 1979, p. 609) (محمفوظ، 1979، ص 609)
- با قفل کلنچار رفت تا بازش کرد (Marashi Pur, 2021, p. 202) (مرعشی‌پور، 2021، ص 202)

¹⁶ - Quodite traductive

مترجم با توجه به حال و هوای مکانی داستان که حکایت از دزدی دارد، کلنجر رفتن به قفل را انتخاب نموده که بسیار در این جمله مناسب به نظر می‌رسد.

- ألا تترك مليما؟ (Mahfouz, 1979, p. 609) (محمفوظ، 1979، ص 609)

- حتی یک پول سیاه هم باقی نگذاشته‌ای؟ (Marashi Pur, 2021, p. 202) (مرعشی‌پور، 2021، ص 202)

مترجم ملیم راکه در زیرنویس به عنوان واحد پول مصری معرفی کرده به یک پول سیاه ترجمه نموده که در فارسی کنایه از چیز بی‌ارزش و کم است.

- ودفعه الغيظ إلى فتح أدرج الطاولة جميعا (Mahfouz, 1979, p. 610) (محمفوظ، 1979، ص 610)

- شدت غيظش او را بر آن داشت که همه‌ی کتوهای پیشخوان را باز کند (Marashi Pur, 2021, p. 202) (مرعشی‌پور، 2021، ص 202)

- مترجم واژه «الغيظ» را به شدت خشم و نیز اسم مصدر «فتح» را به صورت فعلی ترجمه کرده است. همچنین «الطاولة» به معنای میز را با توجه به موقعیت مکانی می‌کده در داستان، به پیشخوان ترجمه نموده است.

11-3 - خوانایی¹⁷

مترجم باید بر متن مبدأ اشراف کامل داشته باشد تا بتواند متنی قابل فهم و خوانا برای خواننده مقصد ارائه کند. این امر با استفاده از شیوه‌های مذکور و حتی گاهی افزودن یادداشت‌هایی به متن و ارائه اطلاعات بیشتری به خواننده همراه است.

- تناول قروشه (Mahfouz, 1979, p. 718) (محمفوظ، 1979، ص 718)

- حساب میز را گرفت (Marashi Pur, 2021, p. 356) (مرعشی‌پور، 2021، ص 356)

مترجم با توجه به کلمه «قروش» که واحد پول مصری است و نیز موقعیت مکانی داستان در کازینو، آن را به حساب میز ترجمه نموده است تا ترجمه رساتری ارائه دهد.

- أغسل رأسك بماء بارد (Mahfouz, 1979, p. 729) (محمفوظ، 1979، ص 729)

- سرت را فرو کن در آب سرد (Marashi Pur, 2021, p. 445) (مرعشی‌پور، 2021، ص 445)

در فارسی از عبارت فروکردن سر به جای شستن سر برای رفع مستی، استفاده می‌شود که مترجم به خوبی عمل کرده است.

- وبعد أن شرق بنا الحديث و غرب (Mahfouz, 1979, p. 729) (محمفوظ، 1979، ص 729)

- بعد از اینکه از هر دری به هم گپ زدیم (Marashi Pur, 2021, p. 426) (مرعشی‌پور، 2021، ص 426)

از هر دری سخن گفتن در زبان فارسی کنایه از همه چیز و همه جا سخن گفتن است که عملکرد مترجم بسیار ترجمه را خوانا نموده است.

- حدثني قلبي بأنه أت لا ريب فيه (Mahfouz, 1979, p. 730) (محمفوظ، 1979، ص 730)

- به دلم برات شده بود که بی‌شک خواهد آمد (Marashi Pur, 2021, p. 426) (مرعشی‌پور، 2021، ص 426)

¹⁷ - Lisibilitè

برات شدن در فارسی کنایه از خبردار شدن قلبی است که به درستی ترجمه گردیده است.

- فتجنب الحديث الشائک (Mahfouz, 1979, p. 731) (محمفوظ، 1979، ص 731)

- و حرف حساب دیگر به گوشش نمی‌رود (Marashi Pur, 2021, p. 428) (مرعشی‌پور، 2021، ص 428)

مترجم از ترجمه لفظی عبارت عربی دوری جسته و آن را با یک کنایه فارسی جایگزین نموده است که بسیار هم کاربرد دارد.

- شدّ ما تبادلا المقت (Mahfouz, 1979, p. 733) (محمفوظ، 1979، ص 733)

- سایه‌ی یکدیگر را با تیر می‌زدند (Marashi Pur, 2021, p. 430) (مرعشی‌پور، 2021، ص 430)

از آنجا که کلمه «المقت» به معنای کینه و تنفر است، مترجم عبارت عربی را به یک عبارت کنایه به معنای دشمنی شدید بین دو نفر معنا کرده است.

در تطبیق و تحلیل نظریه لادمیرال بر نمونه‌هایی از ترجمه، ملاحظه می‌شود که از پانزده مؤلفه نظریه لادمیرال، مؤلفه‌هایی همچون جابه‌جایی، انتقال، خوانایی و ناهمگون‌سازی بیشترین بسامد را دارا می‌باشند. بنابراین سعی مترجم بر نزدیک کردن متن اصلی به زبان مقصد بوده و ترجمه مقصدمحوری ارائه داده و بدین منظور مترجم از مؤلفه‌های افزایش، رفع ابهام و حذف هم بهره گرفته است. اما مؤلفه‌های افزوده‌سازی، تفسیر حداقلی و چپستی ترجمانی کمتر در ترجمه دیده شد. وی در مواردی هم به ترجمه مدلول‌ها و واژگان بسنده کرده که این امر منجر به ترجمه‌ای دور از تکلف و ابهام در درک منظور متن داستان شده است.

نتیجه

از بررسی و تطابق ترجمه داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ با ترجمه فارسی آنها در این جستار چنین برمی‌آید که با توجه به نظریه لادمیرال مؤلفه‌های جابه‌جایی، انتقال، خوانایی و ناهمگون‌سازی بیشترین بسامد را دارا می‌باشند که همین مؤلفه‌ها این ترجمه را از روانی و قابلیت فهم بودن برخوردار می‌نمایند. بنابراین سعی مترجم بر نزدیک کردن متن اصلی به مقصد ترجمه بوده است. همچنین مؤلفه‌های افزوده‌سازی، تفسیر حداقلی و چپستی ترجمانی کمتر در ترجمه دیده شد. همچنین با شیوه ترجمه نسبتاً آزادی که مرعشی‌پور برای برگردان متن اصلی برگزیده، در مواردی هم به ترجمه آزاد مدلول‌ها و مفاد واژگان روی آورده که این امر منجر به ترجمه‌ای دور از تکلف و ابهام در درک منظور متن شده است. از آنجا که انتقال صرف عبارت‌های عربی به زبان مقصد، به درک خواننده و آشنایی او با زبان و فرهنگ مبدأ کمک شایانی نمی‌کند، مترجم ناگزیر بوده با شیوه تلفیقی از چندین مؤلفه، خواننده را درک مقصود نویسنده یاری رساند و بدین‌گونه به غنای فرهنگ مقصد بیفزاید. ملاحظه می‌شود که عملکرد مترجم نیز در این راستا از نقاط قوت ترجمه به شمار می‌رود. با توجه به ارزیابی‌های این پژوهش، مترجم با تمام روش‌های ترجمه آشنا بوده و با نظر به بافت متن و موقعیت سخن، از روش مناسب برای ارائه ترجمه قابل فهم بهره گرفته است. زیرا استفاده از یک یا دو روش در ترجمه عناصر فرهنگی، عبارات سیاسی، اجتماعی در داستان کوتاه، در تمام متن جوابگو نیست و سبب ابهام خواهد شد؛ در نتیجه

استفاده مترجم از روش‌های مناسب برای ترجمه یکی از ظرافت‌های این ترجمه است که با به کارگیری ذوق و مهارت خود، ارزش ادبی متن ترجمه شده را بالا برده است.

منابع

- بابازاده اقدم، عسگر و دیگران (2021)؛ «نقد ترجمه محمد دشتی از حکمت‌های نهج البلاغه بر اساس الگوی لادمیرال»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*؛ دوره 8، شماره 15، صص 63-95.
- بیکر، مونا و گابریئلا، سالدنیا (2017)؛ *دایرةالمعارف مطالعات ترجمه*، ترجمه: حمید کاشانیان، تهران، نشر نو.
- بیکر، مونا (2014)؛ *به عبارت دیگر*، ترجمه: علی بهرامی، تهران، نشر رهنما.
- حقانی، نادر (2007)؛ *نظرها و نظریه‌های ترجمه*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- دلشاد، شهرام و مسبوق، سید مهدی (2016)؛ «بررسی مقابله‌ای فرآیند حذف یا آنتروپی در ترجمه‌های فارسی هزار و یک شب»، *مجله مطالعات زبان و ترجمه*، دوره 49، شماره 1، صص 57-82.
- دلشاد، شهرام و مسبوق، سیدمهدی و عبدی، صلاح الدین (2016)؛ «بازکاوی ترجمه عبداللطیف تسوجی از داستان بنیادین هزار و یک شب بر اساس الگوی ژان رنه لادمیرال»، *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، دوره 6، شماره 15، صص 41-61.
- سلیمی، زهرا و نظری، علیرضا (2023)؛ «تحلیل و نقد ترجمه دشتی از نهج البلاغه با تکیه بر دیدگاه لادمیرال»، *پژوهش‌نامه علوی*، دوره 13، شماره 25، صص 169-196.
- صیادانی، علی و اصغرپور، سیامک (2017)؛ «ارزیابی فرآیند ترجمه واژگان نهج البلاغه بر اساس نظریه لادمیرال»، *مطالعات ترجمه قرآن*، دوره 4، شماره 8، صص 133-159.
- العتابی، رحیم مزهر، بررسی تطبیقی شخصیت‌های محوری در رمان "الشحاذ" و فیلم نامه هامون، *مجله کلیة اللغات*، العدد 46 / 2022
- گنتززر، ادوین (2014)؛ *نظریه‌های ترجمه در عصر حاضر*، ترجمه: علی صلحجو، چاپ دوم، تهران، نشر هرمس.
- گیلانی، اله و احمدیان، حمید و نوری، مریم (2017)؛ «ده داستان کوتاه نجیب محفوظ با محوریت زن از منظر ساختارگرایی و لادیمیر پراپ»، *ششمین همایش ملی نقد و نظریه ادبی*، دانشگاه گنبدکاووس مشهد.
- فیضی، پریسا، کاربست عملی الگوی ژان رنه لادمیرال در ترجمه از عربی به فارسی، *مجله کلیة اللغات*، العدد 49 / 2024
- لادمیرال، ژان رنه (2021)؛ *گزاره‌هایی در باب ترجمه*، ترجمه: فاطمه میرزا ابراهیم تهرانی، تهران، نشر لوگوس.
- محسنی، صابر (2009)؛ *ترجمه مقدمه و فصل چهارم کتاب ترجمه کردن قضایایی برای ترجمه اثر: ژان رنه لادمیرال*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

محفوظ، نجیب (2021)؛ *خاکستر، مجموعه داستان‌های کوتاه*، مترجم: محمد رضا مرعشی‌پور، محمدرضا، تهران، نیلوفر.

محفوظ، نجیب (2006)؛ *الأعمال الكاملة*، مجلد 5، مصر، دارالشروق.

مهدی پور، فاطمه (2011) «ژان رنه لادمیرال؛ قضایایی برای رویارویی با مشکلات ترجمه»، *نشریه کتاب ماه ادبیات*، دوره 165، شماره 51، صص 48-52.

نصیری، روح‌الله ومصطفوی، محمد جلیل (2016) «رنالیسم جادویی در برخی از داستان‌های کوتاه نجیب محفوظ»، *لسان مبین*، شماره 26، صص 147-171.

نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب (2019)؛ *الگوهای ارزیابی ترجمه*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

References

- Al-Attabi, Raheem Mezher, Comparative study of central characters in the novel "Al-Shahaz" and Hamoun's movie, College of Languages Magazine, Issue No. 46/2022
- Babazadeh Aghdam, A. & others (2021); "Criticism of Mohammad Dashti's translation of Nahj al-Balagha's wisdom based on Admiral's model", Quran and Hadith translation studies; Volume 8, Number 15, pp. 63-95. (In Persian)
- Baker, M. & Gabriela, S., (2017); Encyclopedia of translation studies, Translated by: Hamid Kashanian, Tehran, new publication. (In Persian)
- Baker, M. (2014); In other words, translated by: Ali Bahrami, Tehran, Rahnama publishing house. (In Persian)
- Haqqani, N. (2007); Comments and theories of translation, Tehran, Amir kabir Publications. (In Persian)
- Delshad, Sh. & Masbouq, S. M., (2016); "A comparative study of the process of elimination or entropy in Persian translations of One Thousand and One Nights", Journal of Language and Translation Studies, Volume 49, Number 1, pp. 57-82. (In Persian)
- Delshad, Sh. & Masbouq, S. M. & Abdi, S. (2016); "A review of Abdul Latif Tsuji's translation of the basic story of One Thousand and One Nights based on the example of Jean-René Ladmiral", Translation Researches in Arabic Language and Literature, Volume 6, Number 15, pp. 41-61. (In Persian)

- Salimi, Z. & Nazari, A. (2023); "Analysis and criticism of Dashti's translation of Nahj al-Balagheh based on Admiral's point of view", Alavi Research Journal, Volume 13, Number 25, pp. 169-196. (In Persian)
- Faizi, Parisa , The practical application of Jean-René Ladmira's model in translation from Arabic to Persian, Journal of the College of Languages, Issue 49 / 2024
- Sayadani, A. & Asgharpour, S. (2017); "Evaluation of the translation process of Nahj al-Balaghah words based on Admiral's theory", Qur'an Translation Studies, Volume 4, Number 8, pp. 133-159. (In Persian)
- Gentzler, Edwin (2014); Theories of translation in the present era, translated by: Ali Solhjo, second edition, Tehran, Hermes Publishing. (In Persian)
- Gilani, E. & Ahmadian, H. & Nouri, M. (2017); "Ten short stories of Najib Mahfouz centered on women from the perspective of Vladimir Propp's structuralism", 6th National Conference of Literary Criticism and Theory, Gonbad kavous, University of Mashhad. (In Persian)
- Ladmira, J. R., (2021); Propositions about translation, translated by: Fatemeh Mirza Ebrahim Tehrani, Tehran, Logos Publishing. (In Persian)
- Mohseni, S. (2009); Translation of the introduction and the fourth chapter of the book Translating Case Studies for the translation of the work: Jean-René Ladmira, Master's thesis, Shahid Beheshti University. (In Persian)
- Mahfouz, N., (2021); Khakaster, collection of short stories, translated by: Mohammad Reza Marashipour, Tehran, Nilofar. (In Persian)
- Mahfouz, N (2006); Al Ammal Al-Kamala, volume 5, Egypt, Dar al-Shoroq. (In Arabic)
- Mehdipour, F. (2011) "Jean René Admiral; Cases to face the problems of translation", Book Month of Literature, Volume 165, Number 51, pp. 48-52. (In Persian)
- Nasiri, R. & Mustafavi, Mohammad J. (2016) "Magic realism in some short stories of Najib Mahfouz", Lesan Mobin, No. 26, pp. 171-147. (In Persian)
- Niazi, Sh. & Ghasemi Assal, Z. (2019); Models of translation evaluation, second edition, Tehran, Tehran University Press. (In Persian)

التقييم النوعي للقصدية في ترجمة قصص نجيب محفوظ القصيرة الى الفارسية: على وفق نظرية جان رينيه لادميرال

¹ علي أفضلي ، ² رحيم مزهر جبر العتابي، ³ اكرم مدني

³⁻¹ جامعة طهران/كلية الاداب والعلوم الانسانية/قسم اللغة العربية

² جامعة بغداد/ كلية اللغات/ قسم اللغة الفارسية

المستخلص

إن تقييم الترجمات والتعبير عن نقاط القوة والضعف فيها بمثابة طريق للمضي قدماً للمترجمين في هذا المجال ويجعل معرفة الترجمة أكثر حيوية وديناميكية. وبما أن الغرض من الترجمة هو فهم النص في اللغة الهدف بشكل أفضل، فقد قمنا بالبحث الحالي بالمنهج الوصفي التحليلي، بتحليل وجهات ترجمة بعض قصص نجيب محفوظ القصيرة إلى الفارسية من ترجمة محمد رضا مرعشي بور وبالاعتماد على الإطار النظري لجان رينيه لادميرال. وذلك لتحديد مدى توافقه مع مكونات هذه النظرية. وبعد فحص ومقارنة النص الأصلي والترجمة الفارسية، وجدنا أنه في ترجمة هذه القصص، مكونات نظرية أدميرال مثل الإزاحة والوضوح وعدم التجانس لها أعلى تكرار. كما استخدم المترجم مكونات الزيادة وتوضيح والحذف، حيث حاول تقريب النص الأصلي من الوجهة وقدم ترجمة موجهة نحو الوجهة. كما أن مكونات الحد الأدنى من التفسير وجوهر الترجمة شوهدت بشكل أقل في الترجمة. واتجه مرعشي بور في بعض الأحيان إلى الترجمة الحرة للمعاني والكلمات، مما أدى إلى ترجمة بعيدة كل البعد عن الصعوبة والغموض في فهم معنى المؤلف.

الكلمات الدالة: تقييم الترجمة، القصة القصيرة العربية، وجهة الترجمة، نجيب محفوظ، جان رينيه لادميرال.